از ابلاغ پیام تا توجیه سلطه و نادیده‌گرفتن خون کودکان ایرانی!



مقدمه:

وقتی بیانیه از ابلاغ پیام به توجیه سلطه تبدیل می‌شود

چند روز پیش صفحه منتسب به دانشگاه الازهر مصر در شبکه اجتماعی با صدور بیانیه‌ای، ادامه آنچه حملات غیرموجه ایران به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و برخی دولت‌های عربی و همسایگان اسلامی خوانده را محکوم کرده است. در این بیانیه، الازهر بدون اشاره به تجاوز آشکار آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین در اختیار گذاشتن خاک، آسمان و امکانات کشورهای عربی برای حمله به جمهوری اسلامی ایران از کشورمان خواسته که فوراً هرگونه اقدام نظامی علیه کشورهای عربی را متوقف کند و به حاکمیت آن‌ها احترام بگذارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾، سوره احزاب: ۳۹.

نقش علما صدور بیانیه‌های سیاسی و جدا از متن و یا همسو شدن با موازنه قدرت نیست، بلکه رساندن پیام خدا به همان شکلی که هست بوده، کامل و بدون نقص، بدون ترس از اقتدار یا ارعاب متکبران.

با این معیار قرآنی است که بیانیه‌ها سنجیده و مواضع علما تعیین می‌شود: آیا آنها جزو وارثان پیامبران هستند یا جزو کسانی که از مراکز قدرت وحشت دارند؟

بیانیه صادر شده توسط الازهر صرفاً یک موضع‌گیری نیست، بلکه یک سند سیاسی مهم و غنی از پیام‌های ضمنی است. این بیانیه که در لباس شریعت اسلامی پوشیده شده است، واژگان و اهداف اسلام را نه برای حمایت از مظلومان، بلکه برای محکوم کردن کسانی که با نظام استکبار مقابله می‌کنند، به کار می‌گیرد. این یک پارادوکس تکان‌دهنده را آشکار می‌کند: وقتی کودکی در فلسطین نابود می‌شود و[خون کودکان](#) زیر آوار خانه‌هایشان ریخته می‌شود، بدون هیچ بیانیه‌ای، بدون هیچ فراخوانی برای مسلح شدن و بدون هیچ خشمی که شایسته تقدس خون بی‌گناهان باشد، به قانون اسلام استناد می‌شود، در حالی که اسلام کاملاً غایب است.

اول: در توصیف تجاوز ناموجه: تحریف حقیقت و تبرئه متجاوز

[بیانیه الازهر](#) اقدامات ایران را تجاوز ناموجه توصیف کرد و یک حقیقت اساسی را نادیده گرفت: اینکه هدف پایگاه‌های نظامی آمریکا بود که از آنجا حملات به مردم منطقه آغاز شده بود.

جرم‌انگاری واکنش در حالی که عمل اصلی را نادیده می‌گیرد، بی‌طرفی نیست، بلکه طرفداری و جانبداری آشکار، تبرئه عامل اصلی و تحریف ترازوی عدالت است.

دوم: خون کودکان؛ معیار گمشده

این بیانیه از «حفاظت از جان بی‌گناهان» صحبت می‌کند، اما کدام جان بی‌گناهان؟ کجا بود این زبان تند و تیز وقتی کودکان غزه در چادرها زنده زنده سوزانده می‌شدند، وقتی مدارس و بیمارستان‌ها در لبنان ویران می‌شدند، وقتی مدارس یمن هدف قرار می‌گرفتند، و وقتی بمباران‌های خائنانه در ایران رخ می‌داد؟

عدالتی که به صورت گزینشی اعمال می‌شود و خونی که بی‌هدف ریخته می‌شود، عدالت مشروع نیست، بلکه

اخلاقی گزینشی است که در خدمت جغرافیای نفوذ آمریکاست و مظلومان را در هر کجا که باشند رها می‌کند.

علاوه بر این، الازهر در مواجهه با رسوایی‌های تجاوز به خردسالان و قتل کودکان در پرونده جفری اپستین کجاست؟ اعلام برائت کجاست؟ فتوا کجاست؟ مبارزه اخلاقی علیه سیستم غربی که از قاتلان کودکان محافظت می‌کند کجاست؟ سکوت در اینجا بی‌طرفی نیست... بلکه همدستی اخلاقی است.

سوم: اصول اسلام و حقوق بین‌الملل، کدام مرجع است؟

بیانیه الازهر هنگام محکوم کردن به حقوق بین‌الملل استناد کرد، اما این واقعیت را نادیده گرفت که مرجع مسلمانان، در درجه اول اصول اسلام است، زیرا آنها در همه شرایط کافی و جامع هستند.

اصول اسلامی در مقابله با تجاوز:

• دفع تجاوز: ﴿فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱعْتَدُوا۟ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (پس هر کس به شما تجاوز کرد، به همان شیوه‌ای که به شما تجاوز کرده، به او تجاوز کنید.)

• انکار تسلط کافران بر مؤمنان: ﴿وَلَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

• حفظ جان و مال، تفاوتی بین کودکی در غزه و کودکی در صنعا یا تهران قائل نمی‌شود.

حقوق بین‌الملل مورد استناد برای محکوم کردن مقاومت، همان قانونی است که:

• نسل‌کشی در غزه را مشروعیت بخشید.

• به قاتل مصونیت اعطا کرد.

• دفاع از خود را به عنوان تروریسم طبقه‌بندی کرد.

وقتی این قانون با اسلام در تضاد است، مرجع مسلمانان نه سازمان ملل متحد، بلکه کلام خداوند متعال است: ﴿وما لكم لا تقاتلون في سبيل ا والمستضعفين﴾. (شما را چه شده است که در راه خدا و برای مستضعفان نمی‌جنگید؟)

وجود پایگاه‌های خارجی که سرنوشت ملت‌ها را کنترل می‌کنند، تجاوزی غیرقابل قبول و مقاومت در برابر آن، جهادی دفاعی علیه متجاوز است.

علما؛ از تقوا تا نفاق حاکم

تفاوت بین علما نه در دانش و نه در مقام، بلکه در ترس از خداست: عالم پرهیزگار تنها از خدا می‌ترسد، در حالی که عالم فاسد به خاطر از دست دادن محبوبیت نزد حاکم می‌ترسد. اینگونه است که دین یا حفظ می‌شود و یا از بین می‌رود و اماکن مقدس محافظت می‌شوند و یا مورد تجاوز قرار می‌گیرند.

امام خمینی(ره) علیه کسانی که خود را به عنوان عالم جا می‌زنند هشدار داد و آنها را خطرناک‌تر از دشمن خارجی توصیف کرد، زیرا آنها متون را برای توجیه بی‌عدالتی تحریف می‌کنند، در مورد قتل عام‌ها تحت پوشش حکمت سکوت می‌کنند، عادی‌سازی و سلطه‌پذیری را مشروعیت می‌بخشند و دین خود را برای سود دنیوی می‌فروشند. امام زید بن علی، رضی ا عنه، فرمود: «کسانی که پیش از شما بودند، زمانی هلاک شدند که علمایشان سکوت کردند و جاهلانشان سخن گفتند.» در مقابل، سید عبدالملک الحوثی(حفظه ا)، فرمود: عالم واقعی کسی است که طبق قرآن عمل می‌کند، با حق می‌ایستد، عواقب موضع خود را تحمل می‌کند و از منبر به عنوان ابزاری برای توجیه ظالمان استفاده نمی‌کند.

اول: مرجعیت

- علمای واقعی: قرآن کریم به عنوان یک روش، یک جنبش و یک عمل.

- علمای فاسد: هوس‌های حاکمان و توجیه سیاست‌های آنها.

دوم: موضع‌گیری در برابر مستکبران

• علمای واقعی: گفتن حق و بسیج برای جهاد.

• علمای فاسد: سکوت یا مشروعیت بخشیدن به عادی‌سازی.

سوم: اولویت

• علمای واقعی: حمایت از مظلوم.

علمای فاسد: مناصب و امتیازات.

چهارم: نقش اجتماعی

• علمای صالح: امر به معروف و نهی از منکر.

• علمای فاسد: بی‌حس کردن توده مردم.

پنجم: تأثیر بر ملت

• علمای واقعی: پرورش نسلی شریف.

• علمای فاسد: تبدیل ملت‌ها به گروهی بی‌هویت.

حق مشروع دفاع از خود: از نظر دینی، قانونی و اجماعی

اول: مبانی شرعی و قانونی

از لحاظ شرعی دفع تجاوز واجب است و سلب قدرت از نیروی مخالف، یک اصل محکم قرآنی است: ﴿وَلَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾. {خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راهی برای تسلط قرار نخواهد داد.}

از نظر قانونی: ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد حق دفاع از خود را تضمین می‌کند. دولتی که اجازه می‌دهد از خاکش برای تجاوز استفاده شود، مصونیت خود را از دست می‌دهد و پایگاه‌هایش به اهداف نظامی مشروع تبدیل می‌شوند.

دوم: اجماع رهبری و علما

• رهبری: سیدعبدالملک بدرالدین الحوثی تأکید کرد که حضور آمریکا اشغالگری است، پاسخ به پایگاه‌ها حق مشروع است و دوران «حمله بدون تلافی» به پایان رسیده است.

• علما: انجمن علمای یمن، به همراه علمای مقاومت در لبنان، عراق، موریتانی، الجزایر و تونس و همچنین مفتی اعظم عمان، به اتفاق آرا توافق کردند که ادامه حضور پایگاه‌ها، اشغالگری است و حمله به آنها وظیفه شرعی برای دفع متجاوز است.

• بین‌المللی: روسیه و چین از استفاده از پایگاه‌ها در تجاوز انتقاد کردند و حتی رسانه‌های غربی اذعان کردند که این پایگاه‌ها به بار فزاینده‌ای تبدیل شده‌اند.

سوم: آنچه بیانیه الازهر از قلم انداخته است

جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که عملیات‌هایش فقط پایگاه‌های نظامی را هدف قرار می‌دهد، نه غیرنظامیان را، در چارچوب حق مشروع دفاع از خود، در حالی که به کشورهای همسایه اطمینان می‌دهد که امنیت آنها هدف قرار نمی‌گیرد. نادیده گرفتن این حقایق از سوی الازهر سهوی نیست، بلکه انتخابی با انگیزه سیاسی است.

چهارم: تمایز قاطع

موضع اعلام شده: ما به پایگاه‌ها حمله می‌کنیم، نه به مردم.

هدف: قطع دست متجاوز، نه آسیب رساندن به همسایگان.

چرا بیانیه الازهر صادر شد؟

۱.تغییر فریضه بسیج: نقش از تحریک جهاد به توجیه بی‌عملی تغییر کرد، در نتیجه سابقه‌ای از جایگزینی ایجاد شد و رهبران و ملت‌های جدیدی ظهور کردند که پرچم به جا مانده از علمای نهادها را حمل می‌کردند.

۲. از عزت به سرسپردگی: آیه ﴿أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ با جلب رضایت قدرت‌های بین‌المللی و واگذاری تصمیم‌گیری به قدرت سیاسی جایگزین شد و علما را از یک مشاور به یک مدافع تبدیل کرد.

۳. از منبر روشنگری به منبر استبداد: تحریف آگاهی و تحریف مقاومت، جداسازی دین از میدان مبارزه و فراهم کردن پوشش قانونی برای رژیم‌هایی که میزبان پایگاه‌ها هستند.

نتیجه: شکاف عمیقی بین گفتمان رسمی و وجدان ملت.

الازهر تاریخی و الازهر قدرت حاکم؛ یک دیدگاه متضاد

اول: موضع‌گیری در مورد استعمار

- الازهر تاریخی: رهبری انقلاب‌ها علیه فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها.
- الازهر وابسته به قدرت: سکوت در مورد پایگاه‌های آمریکایی و صهیونیستی.

دوم: بسیج و جهاد

- الازهر تاریخی: فتواهایی برای جهاد فردی.
- الازهر وابسته به قدرت: دعوت به خویشتنداری.

سوم: رابطه با قدرت

- الازهر تاریخی: نظارت مذهبی.

• الازهر وابسته به قدرت: مفتی همسو با قدرت

چهارم: رابطه با ملت

• الازهر تاریخی: وحدت مردمی.

• الازهر وابسته به قدرت: شکاف و فاصله با وجدان ملت.

دیدگاه استعماری در مقابل دیدگاه مقاومت

اول: مشروعیت

• دیدگاه مقاومت: مشروعیت حق و دفاع.

• دیدگاه استعماری: مشروعیت قدرت و سلطه.

دوم: انسانیت

• دیدگاه مقاومت: کرامت انسانی.

• دیدگاه استعماری: انسانیت به عنوان یک ابزار.

سوم: فلسطین

• دیدگاه مقاومت: یک مسئله محوری.

• دیدگاه استعماری: یک بار سیاسی.

نتیجه‌گیری: چگونه می‌توانید اینگونه قضاوت کنید؟

بیانیه الازهر - از نظر عبارت، زمان و محتوا - منعکس کننده رویکرد قرآنی نیست، بلکه بیشتر یک درک سیاسی است که در پوشش زبان دینی پنهان شده است. رویدادها ثابت کرده‌اند که خداوند نور خود را کامل خواهد کرد، حتی اگر کافران از آن بیزار باشند، و از این ملت کسانی ظهور کرده‌اند که وظیفه خود را انجام داده‌اند: در یمن، فلسطین و محور مقاومت.

تاریخ بخشنده نیست و خون کودکان با گذشت زمان محو نمی‌شود. ثبت خواهد شد که علمای واقعی کسانی هستند که با حق ایستادند، در حالی که کسانی که از ترس به قضاوت شتافتند، وقتی حکم خدا فرا برسد، پشیمان خواهند شد.

اختلاف نظر با الازهر به عنوان یک نهاد تاریخی نیست، بلکه با الازهری است که از رسالت خود جدا شده و به محکوم کردن کسانی که مقاومت می‌کنند عادت کرده است، در حالی که در مورد بزرگترین قتل عام‌های زمان ما سکوت کرده است. ملتی که تاریخ خود را می‌داند، به خوبی می‌داند که وارثان واقعی پیامبران چه کسانی هستند و علمای وابسته می‌شود.

به قلم عدنان عبدالله الجنید، نویسنده و تحلیلگر یمنی